

# چگونگی کمک به کودکان «گوشه گیر»

## و «توسری خور»

که کسی با آنها دعوا و یانزاع میکرد همه از کسی که با آن کودکان باصطلاح «کنکند خور» و «توسری خور» دعوا کرده بود حمایت می نمودند ، و شاید هم خود شمایکی از این کودکان مورد بغض و کینه و «توسری خور» کلاس بوده اید؟ معمولا در هر کلاس یک یادو کودک از این قبیل وجود دارند . و حالا موضوع مورد بحث ما اینست که خانواده و مخصوصاً پدر و مادر به این قبیل کودکان چه کمکی می توانند بکنند و چگونه می توانند آنها را از این وضع نجات دهند ؟



معمولاً وقتی که کودکی بعلت تغییر بست پدرش و مسافرت و انتقال خانواده اش از این شهر به شهری دیگر، وارد مدرسه جدید و کلاس تازه ای می شود در نظر بچه های آن کلاس حکم یک غریبه را پیدامی کند و همه با او، در آغاز رفتاری غیر دوستانه دارند . شاید از او اطمینان خاطر ندارند و می خواهند وی را آزمایش کنند که چطور بچه ایست و مدتی بطول می انجامد که با او خو گرفته و آشنا شوند ، بنابراین وقتی بچه ای تازه وارد مدرسه ای شد ، پدر و مادر او نباید از اینکه بچه های مدرسه با کودک آنها خوش- رفتاری نمی کنند ناراحت شوند و در هفته های

### کودکانی که تا پدر و مادر در کنار آنها نشینند درس نمی خوانند

اگر شما دوران مدرسه رفتن خود را مرور کنید ، حتما بخاطر می آورید که در بیشتر از کلاس هایی که درس می خواندید کودکانی بودند که مورد بغض و نفرت سایر بچه های کلاس قرار داشتند و همه شاگردان باین کودکان، بخصوص به نظر یک غریبه، نگاه میکردند و آنها را آزار میدادند و هر وقت هم

این صورت تکلیف چیست و اولیا چه باید بکنند؟ در این مورد اولیا باید توجه داشته باشند که عوامل و انگیزه‌های خاصی ممکن است موجب این حالت روحی و اختلاف کودک آنها با همشاگردی‌هایشان شده باشد. انگیزه‌هایی که عامل آنها ندانسته، خود پدر و مادر کودک بوده‌اند و مادر و پدر از آنها را در زیر ذکر میکنیم:



۱۳۱

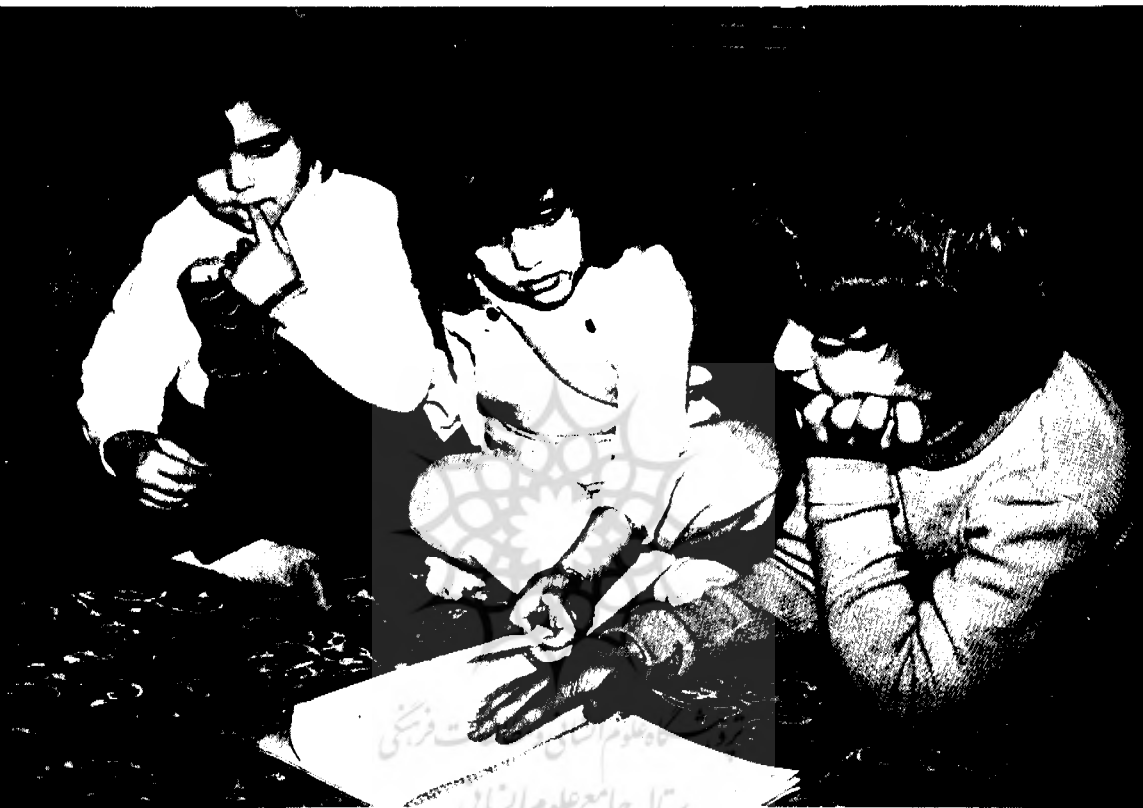
\* اولیای این کودکان ممکن است به کودک خود تلقین کرده باشند که موجودی برتر و بالاتر از کودکان دیگر است و از همه بهتر چیز می‌فهمد و مطالب را درک می‌کند و در نتیجه کودک آنها چون خود را بالاتر و مهمتر از کودکان دیگر حس می‌کند، رفتارش با آنها غیرعادی می‌شود و اختلاف بین او و دیگران بر روزی کند.

\* اولیا ممکن است بخاطر علاقه‌ای که به کودک خود دارند لباس‌های بسیار عالی و آخرین مد باو می‌پوشانند و بعد هم بوی سفارش می‌کنند که لباس‌های خود را سبباً کثیف کند و آنوقت کودک هم از ترس آنکه لباس‌هایش کثیف نشود از بازی با بچه‌ها کناره‌گیری می‌کند و آنوقت کم‌کم بچه‌ها با و بصورت یک بیگانه نگاه می‌کنند، بیگانه‌ای که حاضر نیست با آنها بازی کند و راه برود.

این دو نمونه کوچک از عوامل و انگیزه‌هایی است که ممکن است موجب شود کودک شما نسبت به همشاگردی‌های خود بیگانه شده و مورد بغض و کینه آنها قرار گیرد. هر پدر و مادری اگر درست فکر کنند، نمونه‌های بسیار دیگری از این انگیزه‌ها و عوامل خواهند یافت که با خودداری از آنها، می‌توانند کمک بزرگ و مهمی به کودک خود بکنند.

اول اگر احياناً روزی بچه آنها گریه کنان بخانه آمد که بچه‌ها او را کتک زده‌اند نباید عصبانی شده و از میدان دربروند و شکایت بچه‌ها را نزد مدیر مدرسه بکنند. زیرا مداخله آنها در این امرکاری را اصلاح نمی‌کند، بلکه روابط کودک آنها را با سایر بچه‌ها خراب‌تر می‌کند. آنها باید فرصت بدهند تا کم‌کم این روابط و شناسایی بوجود آید و بچه‌های کلاس کودک آنها را بخود بپذیرند.

ولی ممکن است اتفاق بیافتد که یک کودک بعد از ماه‌ها و حتی سال‌ها نیز بوسیله بچه‌ها و همشاگردی‌هایش پذیرفته نشود و همه کماکان با و به نظر یک بیگانه نگاه کنند و بهمین جهت او را آزار کنند و صدمه برسانند در



کودکان در این قبیل موارد بخاطر آنکه خجالت می‌کشند و نمی‌خواهند به ضعف خود اقرار کنند، همه چیز را برای پدر و مادر خود نمی‌گویند و با سانی نمیتوان پی به علل روانی شکست و ناراحتی آنها در کلاس برد .

در این قبیل موارد کمک مسمی که اولیایه کودک خود می‌توانند بکنند اینست که سعی کنند یک دوست و رفیق از میان همکلاسی‌های کودک خود، برای او پیدا کنند و چه بهتر که این دوست و رفیق، همان کودکی باشد که او را آزار میدهد و صدمه میرساند . البته این دوست یابی هم باید از راه خیلی عاقلانه و

اما کشف اینکه کدامیک از این عوامل و علل موجب این وضع خاص برای یک کودک شده است کار آسانی نیست و بزودی نمی‌توان این علت خاص را تشخیص داد. شاید هم عللی باشد که ارتباط با خود کودک پیدا کند. احتمال دارد کودک از چیزی می‌ترسد یا وحشت دارد . با آنکه بچه‌شوروی در کلاس هست که او را آزار می‌کند و دیگران همه از ترس آن بچه‌شوروی، کودک بیچاره را مسخره کرده و باو صدمه میرسانند ، آنوقت روحیه کودک هم خراب می‌شود و ممکن است اشتباهاتی بکند که این اشتباهات بیشتر موجب مسخره شدن او نزد بقیه شاگردان بشود . معمولا

با کمال احتیاط صورت بگیرد .

پدر و مادر می توانند با اولیای کودک که بچه آنها را آزار میدهد تماس بگیرند و با توافق آنها راه هایی برای دوست و آشنا کردن کودک خود با آن کودک پیدا کنند . مثلاً کودک خود را با کودک آزار دهنده به باغ - وحش ببرند ، آنها را به ناهار دعوت کنند ، به سینما و گردش ببرند و موجبات آشنایی و توافق و همفکریشان را فراهم کنند .

این بهترین راه حل و بهترین کمک است که اولیاء می توانند به کودک خود بکنند ، زیرا اگر کودک شرور و ناراحت کلاس با کودک آنها دوست شود از اوردن کلاس حمایت خواهد کرد ، به همه بچه ها خواهد گفت که این کودک دوست اوست و کسی حق ندارد او را اذیت و آزار کند . البته باین ترتیب به کودک شرور هم کمک خواهد شد ، زیرا او بتدریج درمی یابد که به بچه های ضعیف نباید زورگویی کند و نباید موجب آزار ورنج آنها را فراهم آورد .

\*\*\*

نتیجه هر مرحله برای کودکان

استقلال کودک

مسئله ای که خیلی مورد توجه اولیا قرار دارد و بارها در مورد آن با کارشناسان تعلیم و تربیت مشورت میکنند اینست که چگونه می توان بچه ها را عادت داد که خودشان به تنهایی تکالیف شبانه مدرسه را انجام دهند و در این خصوص احتیاج به کمک بزرگترها نداشته باشند ؟

انجام تکالیف شبانه و سرور درسهای بچه ها یک در دسر بزرگ برای اولیا است ،

آنها غالباً شکایت دارند که بچه ها عادت ندارند به تنهایی و با اتکای بخود دروس را فراگیرند و بعضی از آنها عادت به پدر و مادر خود کرده اند و وقتی پدر یا مادرشان از کنار آنها دور می شوند فوراً دست از نوشتن کشیده و قلم و کاغذ را کنار می گذارند .

یکی از کارشناسان معروف تعلیم و تربیت برای کمک باین قبیل اولیاء یک راه حل گام بگام در پنج مرحله ارائه داده است که با انجام و عملی کردن این دستورات ، بچه ها بتدریج حس استقلال پیدا می کنند و اتکایی بودن آنها از بین می رود . در حقیقت اولیا باید توجه داشته باشند که غیر ممکن است بچه ها یکمرتبه او خود بخود حس استقلال پیدا کرده و به اولیای خود اتکا پیدا کنند و اینکار باید کم کم و به تائی صورت گیرد و وقتی یک کودک مرحله اول را توانست بخوبی طی کند ، آنوقت اولیاء می توانند مرحله دوم را شروع کنند و بهین ترتیب مراحل بعدی .

### مرحله اول - عادت به «وقت کار»

پدر یا مادر باید در نخستین مرحله ، با کودک خود صحبت کنند و وقتی را برای انجام تکالیف شبانه و درس خواندن او قرار بگذارند ، وقتی که دیگر تغییر نکنند و هر روز درست در همان وقت آنها بکار خود شروع کنند . قبل از فرار رسیدن این وقت باید بچه ها را عادت دهند که کتابها و کاغذ و تکالیف خود را برای انجام دادن آماده کرده و در دسترس خود بگذارند که وقتی ساعت شروع کار فرا رسید ، دیگر بدنبال قلم و کاغذ و کتاب اینطرف و آنطرف نگردند و وقت خود را تلف نکنند . موقعی که بچه ها مشق می نویسند و یا درس



میخوانند ، مادر یا پدر باید کنار آنها بنشینند و تماشا کنند و گاهی بچه ها را تشویق کنند و بآنها نیروی تازه ای برای ادامه کار بدهند و اگر احیاناً اشتباهی در کار آنها دیدند این اشتباه را با کمال مهربانی بآنان تذکر دهند ، در صورتیکه بچه ها سؤالی کردند پدر و مادر باید اول خود بچه ها را عادت دهند که فکر کنند و جواب سؤال خود را بیابند و اگر مدتی فکر کردند و نتوانستند ، آنوقت بآنها کمک کنند. اینکار را باید پدر و مادر آنقدر ادامه دهند تا اینکه شروع بکار در ساعت معین برای بچه ها عادت شود و خود او وقتی ساعت کار رسید بگوید حالا ساعت درس خواندن و مشق نوشتن رسیده است ، و باید تکالیف خود را انجام دهم .

#### مرحله دوم - عادت به کم توجهی مادر

در این مرحله هم باید مادر یا پدر در آماده کردن قبلی وسایل کار با کودک خود همکاری نمایند، آنها بایستی با زهم موقعی که کودک درس خواندن را شروع می کند کنار او بنشینند ولی مانند سابق نباید زیاد به کارهایی که بچه میکند، توجه نمایند و بایستی بطور کامل مراقب چگونگی نوشتن و خواندن کودک خود باشند بلکه می توانند در این موقع به خواندن روزنامه ، کتاب و یا بافتن بلوز و ژاکت بپردازند و یا آنکه در حالیکه کنار کودک نشسته اند از پنجره بیخارج نگاه کنند و خود را با آنچه که در خارج از اطاق میگذرد سرگرم نمایند و در این میان هر موقع متوجه شدند که کودک بازیگوشی میکند و از خواندن یا نوشتن دست برداشته است باید باو تذکر دهند که بکار خود ادامه دهد ، بزودی کارش تمام خواهد شد و آنوقت می تواند سرفرصت بازی و تفریح کند .

#### مرحله سوم - عادت به غیبت کوتاه مدت پدر و مادر

در این مرحله باید کودک را عادت داد که خودش قبلاً وسایل کار و کتاب و کاغذ و قلمش را آماده نماید و پدر و مادر در این مرحله فقط باید نظارت کنند که او وسایل

شروع کار خود را قبلاً فراهم کرده باشد .  
سوقی که ساعت درس خواندن رسید ، پدر  
ویاسادر البته مانند سابق کنار کودک می تواند  
بنشینند ولی باید گاه بیگاه و به بهانه های  
مختلف ، برای آوردن چیزی یا انجام کاری  
از جای خود بلند شوند و بروند و پس از مدت  
کوتاهی دوباره برگردند و نزدیک کودک خود  
بنشینند : اگر در این موارد از اطاق هم خارج  
شوند بدنیست ولی مدت غیبت را باید بتدریج  
زیاد کنند ، یعنی از یک زمان کم شروع  
کنند و بعد آنرا افزایش دهند ولی نکته ای  
که مهم است این است که پدر ویاسادر باید  
در این مرحله همیشه در فاصله صدارس بچه باشند  
تا هر وقت او را صدا کردند جواب او را بدهند  
و بچه سایه پدر و مادر را در مدت غیبت نیز  
کنار خود احساس کند .

مرحله چهارم - عادت به دستری نداشتن

به پدر و مادر

در این مرحله دیگر پدر ویاسادر لازم  
نیست کنار سیزکودک خود بنشینند ، بلکه  
باید فقط در فاصله صدارس فرزند خود باشند  
واز دور مراقب باشند که کودک آنها بکار  
خود مشغول باشد و پس از آنکه کمی از شروع  
کار کودک گذشت می توانند بگویند ، من  
برای انجام یک کاری میروم ولی زود برمیگردم  
اگر پدر یاسادر موقعیکه مراجعت کردند  
مشاهده نمودند که کودک در غیبت آنها درس  
و مشق را رها کرده و مشغول بازی شده است  
نباید عصبانی شوند و داد و فریاد راه بیندازند و  
یا احياناً او را کتک بزنند زیرا این عکس العمل  
ها جز ضرر نتیجه دیگری نخواهد داشت ،  
بلکه باید به مرحله سوم بازگشت کنند و دوباره  
مدتی در آن مرحله بمانند تا کودک آنها به  
خود کاری عادت نماید و در غیبت مادر هم  
بتواند مستقل کار خود را انجام دهد . نکته

مهم و قابل تذکر اینست که پدران ویاسادران  
باید کودک خود را ستوجه نمایند که اگر به  
موضوع یا مسئله مشکلی برخورد کرده ، آنرا  
نگهدارد تا آنها مراجعت کنند و در غیاب آنها  
می تواند تکالیف آسان خود را که اشکالی  
ندارد انجام دهد .

مرحله پنجم - عادت به استقلال کامل

در این مرحله دیگر کودک خودش باید  
تصمیم بگیرد که چه موقعی باید درس خواندن  
و مشق نوشتن خود را شروع کند ، او دیگر  
تکالیف خود را به تنهایی انجام میدهد و درس  
خود را در موقعی که پدر و مادرش وقت  
دارند با آنها در میان میگذارد و از آنها کمک  
میگیرد و کلیه تکالیف خود را که می تواند  
بدون کمک انجام دهد ، بدون معطلی و ناراحتی  
دست میگیرد و بی پایان میرساند ، در این مرحله  
پدر و مادر می توانند در آخر شب موقعی که  
بچه همه کارهای خود را انجام داد ، نتیجه  
کارهای او را به بینند . معمولاً بچه ها  
دفاتر و تکالیف انجام شده خود را با رضایت کامل  
و داوطلبانه به پدر و مادر خود نشان میدهند  
البته بشرط آنکه او را تشویق و ترغیب کنند  
و در صورتی هم که اشتباهی در کار خود داشت  
این اشتباه را خیلی بطور ملایم و با مهربانی  
با او تذکر دهند .

معمولاً باین مرحله از کار پس از چند ماه  
می توان رسید و بدین ترتیب پدر و مادر باید  
صبور و تحمل کافی از خود نشان دهند و این  
صبور و تحمل و زحمتی که آنها می کشند کاملاً  
بجا خواهد بود و ارزش خواهد داشت زیرا  
کودک آنها برای همیشه مستقل بار خواهد  
آمد و در سایر امور زندگی هم اتکالی نخواهد شد .